

مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی با رویکرد حکمروایی خوب (نمونه موردی جزیره کیش)

دریافت مقاله: ۹۸/۵/۲۵ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۸

صفحات: ۲۷۷-۲۵۹

عباس لدنی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران

Email: Abbas.Ladonni@ut.ac.ir

احمد پورا احمد: استاد دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران^۱

Email: Apoura@ut.ac.ir

کرامت‌اله زیاری: استاد دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران

Email: Zayyari@ut.ac.ir

رحمت‌اله فرهودی: استادیار دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران

Email: Rfarhudi@ut.ac.ir

سعید زنگنه شهرکی: استادیار دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران

Email: Saeed.Zanganeh@ut.ac.ir

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تدوین شاخص‌ها و معیارهای حکمروایی خوب، ارزیابی وضعیت حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش و ارائه راهکارهایی با توجه و تأکید به رویکرد حکمروایی خوب شهری جهت ارتقاء سطح کارآمدی و عملکرد بهینه مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی در برخورد با معضلات و مسائلی است که نواحی ساحلی این جزیره به عنوان ارزشمندترین دارایی و شاخصه‌ی کیش در ایجاد جذابیت و مطلوبیت فضایی آن را تهدید می‌نمایند و پایداری توسعه‌ی آینده در کیش را دچار مخاطره می‌نمایند. برای تحقق این اهداف، ابتدا با تشریح ادبیات موضوع و مرور پیشینه تحقیق، الگوی مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی با رویکرد حکمروایی خوب ارائه گردید. معیارهای اصلی در این الگو، مشارکت، قانون‌مداری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت محوری، شفافیت، کارایی و اثربخشی و اجتماع محوری بوده که هر یک شامل زیرمعیارهایی است. سپس با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه با ساکنین و متخصصین، و همچنین از طریق کاربست روش تحلیل سلسله مراتبی، وضعیت حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش ارزیابی شد. امتیاز نهایی کیش با انجام محاسبات، ۲/۵۳ (از مجموع ۵) به دست آمد که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب حکمروایی خوب شهری در مدیریت یکپارچه کیش است. در نهایت، راهکارهایی برای ارتقاء وضعیت حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش ارائه گردید.

کلید واژگان: مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی، حکمروایی خوب، کیش

۱. نویسنده مسئول: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، نبش کوچه آذین، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

مقدمه

مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی^۱ به عنوان یکی از رویکردهای مطرح در دهه‌های اخیر به ویژه در کشورهای آمریکا و اروپایی از پیشینه بیشتری برخوردار است. سابقه عملی مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی حداقل به ۱۹۶۵ برمی‌گردد. در دهه اول (۱۹۶۵-۱۹۷۵)، آمریکا، استرالیا و برنامه‌های سازمان ملل متحد بیشترین فعالیت را در زمینه مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی داشته‌اند. در سایر کشورها، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، تلاش در این زمینه بسیار محدود بوده و از اواسط دهه ۸۰ میلادی، مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی تبدیل به یک اقدام جهانی مشترک گردید. در کنفرانس ۱۹۹۲ ملل متحد که در برزیل برگزار شد، مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی، جایگاه ویژه‌ای یافت و فصل هفدهم سند دستور کار ۲۱ اجلاس، به طور ویژه به این مسئله اختصاص داده شد که این امر حاکی از پذیرش این شیوه در نواحی ساحلی توسط مجامع جهانی بود (توفیق و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶). موضوع مدیریت منطقه ساحلی در کشور به طور اصولی و رسمی برای نخستین بار در حدود دو دهه پیش مطرح شد. مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان بنادر و دریانوردی از جمله نهادهایی بودند که هریک به نحوی به مدیریت نواحی ساحلی پرداختند. مرکز ملی اقیانوس‌شناسی با برگزاری کارگاه منطقه‌ای مدیریت جامع سواحل موضوع مدیریت سواحل و جنبه‌های یکپارچگی در این مدیریت را در اواخر سال ۱۳۷۴ به بحث و تبادل نظر گذاشت. مدیریت منطقه ساحلی در سازمان حفاظت محیط‌زیست ابتدا به‌طور غیر مستقیم از سال ۱۳۷۳ با آغاز مطالعات شاسایی نواحی حساس ساحلی مورد توجه قرار گرفت. اقدام مستقیم سازمان حفاظت محیط‌زیست در مدیریت منطق ساحلی به طور مشخص در برنامه محیط‌زیست آغاز شد. موضوع مدیریت نواحی ساحلی در سازمان بنادر و دریانوردی به دنبال راه‌اندازی اداره کل مهندسی سواحل و بنادر در حوزه معاونت فنی مهندسی مطرح و نقش این سازمان به عنوان یکی از نهادهای تصمیم ساز در سواحل از سال ۱۳۸۷، با فراخوان این سازمان از دستگاه‌های مرتبط با سواحل برای تشکیل شورای عالی سواحل کشور مورد توجه قرار داد. این اقدام با آغاز برنامه سوم توسعه از ۱۳۷۹ شکل قانون‌مندی به خود گرفت (نظری کتولی، ۱۳۹۲: ۵۸). سورنسن (۲۰۰۲، ص ۱۱) مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی را یک فرایند پویا می‌داند که در آن یک استراتژی هماهنگ تهیه و برای تخصیص منابع، اجتماعی، فرهنگی و نهادی اجرا می‌شود تا اهداف چندگانه حفاظت و توسعه پایدار نواحی ساحلی به دست آید. مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی با رویکرد توسعه پایدار درصدد است که حفاظت از محیط‌زیست را با توسعه اقتصادی، از طریق بکارگیری ابزارهای مناسب ترکیب کند؛ این فرایند هم محیط‌طبیعی و هم ساکنان نواحی ساحلی را مورد توجه قرار می‌دهد (مهندسین مشاور م‌آب، ۱۳۸۹: ۲). یکپارچگی در مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی نوعی از اعمال مدیریت است که منحصر به مدیریت ساحلی نیست و زیرمجموعه‌ای از مدیریت زیست-محیطی و کاربری زمین و یا برنامه‌های برنامه‌ریزی فضایی است و هدف آن هماهنگی عملکرد سیستم مدیریت بخشی است (مک‌گوان^۲، ۲۰۱۱: ۳۹). از سوی دیگر، یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، حکمروایی خوب است. حکمروایی خوب، مفهومی است که بیشتر

1 Integrated Coastal Zone Management (ICZM)

2 McGowan

در علم سیاست، مدیریت دولتی و به طور ویژه در مدیریت توسعه استفاده می‌شود (فینل و همکاران^۱، ۲۰۰۸): (۱۱). این مفهوم در کنار واژه‌هایی چون مردم‌سالاری، جامعه مدنی، مشارکت مردمی، اعتماد، حقوق بشر و حقوق اجتماعی و توسعه پایدار مطرح می‌شود. در دهه گذشته، این مفهوم ارتباط نزدیکی با تحول بخش دولتی داشت (اوکوت-اوماو^۲، ۲۰۰۱: ۷۸) واژه حکمروایی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاستگذاری و هم در حوزه اجرا دارد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۲: ۱۴۹). ایده اصلی این سیاست آن است که در یک اقتصاد جهانی-رقابتی و به طور فزاینده‌ای یکپارچه، برای همه شهرها ضروری است که یک استراتژی هوشمندانه و واضح برای چگونگی موقعیت سرزمین خود جهت به حداقل رساندن اثرات منفی، پیش‌بینی شوک‌های احتمالی و بهره‌برداری از پتانسیل مقایسه‌ای و رقابتی فراهم آورد. در سطوح مختلف و جهت‌های برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای تحقق حکمروایی است (عزیزی، ۱۳۹۸: ۰۱). این مفهوم که در مقیاس‌های گوناگون محلی، شهری، ملی و حتی بین‌المللی به کار می‌رود، بر همبندی دولت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که دولت‌ها به جای آن‌که به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند و به تعبیر دیگر، حکومت کنند، باید در کنار شهروندان، بخش خصوصی و مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند (برک‌پور، ۱۳۸۶: ۴۹۱). حکمروایی خوب، واژه‌ای است که بیانگر تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت‌ها است. حکمروایی تنها در مورد دستگاه‌ها یا بازیگران نیستند، بلکه از آن مهمتر در مورد کیفیت حکمروایی است که توسط شاخص‌ها و ابعاد آن را تشریح می‌کند. حکمروایی خوب در واقع مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری است. حکمروایی خوب یعنی شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقاء تساوی افراد در برابر قانون. بنابراین، حکمروایی خوب باعث می‌شود که صدای عامه مردم، زمانی که تصمیمات اخذ و منابع تخصیص می‌یابند، به گوش برسد. این حکمروایی است که متعلق به مردم است و توسط مردم شکل می‌گیرد (عبدالطیف، ۲۰۰۳: ۲۳). بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمروایی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری (حیدری، ۱۳۹۲: ۵۱). مفاهیمی همانند حکومت خوب و شهر خوب از دیرباز مورد توجه فلاسفه نامداری چون افلاطون و ارسطو بوده است. مفهوم شهر خوب در آموزه‌های افلاطون و ارسطو ریشه دارد و تاکنون بر بنیادهای فلسفی گوناگون، بارها و در طیفی گسترده از آرمان‌شهرها ترسیم شده است. آن‌چه در این مفاهیم مشترک به نظر می‌رسد، توافق بر هدف نهایی آن است که همانا تأمین زندگی خوب و سعادت شهروندان باشد. اگر چه گفتمان خوب، سعادت و خیر و مانند این مقولات همچنان ادامه دارد؛ اما پذیرفته شده است که شهر خوب بیش از ساختمان‌ها و محیط کالبدی زیبا، ناشی از شهروندان خوب در پیوند و روابط خوب در واقع حکمرانی خوب برپا می‌شود (صرافی، ۱۳۸۰: ۴۷). شهر و شهروندی حکومت خوب در آراء افلاطون دارای دو عنصر عقل و اراده است. دولت یا شهر در نظر افلاطون امری است طبیعی، یعنی داشتن یا نداشتن نظام سیاسی امری دلبخواهی نیست، بلکه زندگی بشر بدون آن ناممکن است. در نظر او علت تشکیل دولت و

1 Fennell et all

2 Okot-Omao

شهر نیاز طبیعی و کشتش تکوینی انسان است. همچنین دستیابی به حکومت خوب نیازمند استفاده از توان صاحبان عقل و خرد می‌باشد که می‌تواند جامعه را به سمت زندگی خوب رهبری کند (خاتمی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۹). به منظور کنترل نحوه استفاده از اراضی در پیرامون شهرها، تدوین سیستم کنترل و مدیریت یکپارچه فضایی در قالب مجموعه شهری پیشنهاد شده است؛ مدیریت یکپارچه‌ای که به واسطه آن از تعارضات میان گروه‌ها و بخشی‌نگری جلوگیری شده و تفرق‌های سیاسی-فضایی کاهش می‌یابد (موسی، سیده آمنه و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۰). ارسطو معتقد است که از مهمترین شاخص‌های حکومت خوب، حاکمیت و تفوق قانون بر جامعه و شهر است. به نظر او شهروند کسی است که حق مشارکت در سرنوشت جامعه، احراز مناصب و دادرسی دارد. بر خلاف افلاطون که فیلسوفان را صاحب فضیلت می‌داند و مردم را از این منصب محروم می‌کند. ارسطو فضیلت را در گرو به دست آوردن حکمت عملی می‌داند که برای همه شهروندان میسر است. لذا همه شهروندان باید هم شیوه فرمانبری را بیاموزند و هم رموز فرماندهی را (خاتمی، ۱۳۸۱: ۷۴). نظریه‌پردازان و سیاستمداران مختلف، مفهوم حکمروایی خوب را از دید خود، تشریح کرده‌اند که خلاصه‌ای از این دیدگاه‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱). مفهوم حکمروایی خوب از دیدگاه نظریه‌پردازان و سیاستمداران مختلف

نظریه‌پرداز	دیدگاه راجع به مفهوم حکمروایی خوب
جان راولز	عدالت اجتماعی و انصاف
آمارتیا کومار سن	توسعه آزادی
آتلانتیک کارتر	رهایی جهان از ترس و ناملاپتی‌ها
ژان پل دوم	آزادی افراد برای زندگی و بروز خلاقیت‌های نهفته انسانی
ماهاتیر محمد	جامعه متمدن جهانی
راجرز اوکوت	تعهد به ارزش‌ها، هنجارها و اعمال دموکراتیک، خدمات توأم با اعتماد اقدامات صادقانه

منبع: لطیفی بنگیجه، ۱۳۹۴: ۱۸

همچنین پژوهشگران خارجی معیارهای مختلفی را برای حکمروایی خوب عنوان کرده‌اند. جدول (۲) تعدادی از این معیارها را ارائه می‌کند.

جدول (۲). معیارهای حکمروایی خوب از دیدگاه پژوهشگران خارجی

معیار	منبع
پاسخگویی، انعطاف‌پذیری، مشارکت، شفافیت، عدالت	ارندت و اومان ^۱ ، ۲۰۰۶: ۴۱
قانون‌مندی، پاسخگویی، شفافیت، کارایی، عدالت، امنیت	کمیته اسکان بشر، ۲۰۰۶: ۱۰۴
شفافیت، کارایی، پاسخگویی، برآورده‌سازی نیازهای اساسی	شاتون ^۲ ، ۲۰۰۵: ۹۳
عدالت، حاکمیت قانون، شفافیت، مشارکت، بینش استراتژیک	او.ای.سی.دی ^۳ ، ۲۰۰۸: ۲۶
کارایی، عدالت، شفافیت، مشارکت، انعطاف‌پذیری، پاسخ‌دهندگی، امنیت	برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۶: ۳
رهبری سیاسی، مدیریت غیراستبدادی، پاسخگویی، گستردگی و همه شمولی	فریدمن ^۴ ، ۲۰۰۸: ۵۹
مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، کارایی	گزارش بانک جهان، ۲۰۰۰: ۲۰۱

1 Arndt and oman

2 Shotton

3 OECD

4 Friedman

قانون‌مندی، شفافیت، انعطاف‌پذیری، عدالت، کارایی، ارتباط مستمر با شهروندان	هاکینگ و همکاران ^۱ ، ۲۰۰۶: ۶۹
رهبری جمعی، مشارکت، کارایی، پاسخگویی، عدالت، انعطاف‌پذیری، حاکمیت قانون	گراهام و همکاران ^۲ ، ۲۰۰۳: ۱۹
قانون‌مداری، شفافیت، پاسخگویی، کارایی، عدالت محوری، بینش استراتژیک	لاک‌وود ^۳ ، ۲۰۰۳: ۳۹
مشارکت، قانون‌مداری، شفافیت، عدالت، انعطاف‌پذیری، ثبات، کارایی، رضایت‌مندی	مگال و وورمان ^۴ ، ۲۰۰۱: ۲۶
پاسخگویی، شفافیت، عدم استبدادگرایی، انعطاف‌پذیری، اطلاع‌رسانی قوی، خودتنظیمی، قابل پیش‌بینی بودن	پیترز ^۵ ، ۲۰۰۲: ۷۳
شفافیت، پاسخگویی، عدالت، کارایی، مدیریت منابع	روبرتز و همکاران ^۶ ، ۲۰۰۷: ۷۱

منبع: علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۴

پژوهشگران داخلی نیز معیارهای مختلفی را برای حکمروایی خوب عنوان کرده‌اند. جدول (۳) تعدادی از این معیارها را ارائه می‌کند.

جدول (۳). معیارهای حکمروایی خوب از دیدگاه پژوهشگران داخلی

منبع	معیار
حیدری، ۱۳۹۲	قانون‌مداری، پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، اثربخشی و کارایی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی
سلیمانی و باقرنژاد، ۱۳۹۳	مشارکت، اثربخشی و کارایی، شفافیت، قانون‌مندی، مسئولیت و پاسخگویی، پذیرا بودن و پاسخده بودن، جهت‌گیری توافقی، عدالت و بینش راهبردی
ملکی، ۱۳۹۵	مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مشارکت، اثربخشی و کارایی، عدالت
آدینه‌وند و همکاران، ۱۳۹۱	پاسخگویی، مشارکت، اثربخشی و کارایی
محمدنژاد و همکاران، ۱۳۹۴	مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌دهی به سهامداران، شفافیت، مشارکت عمومی، اثربخشی، جهت‌گیری هماهنگ، کارایی، دید راهبردی، برابری، حاکمیت قانون
حاجی‌علی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵	آگاهی شهروندی، عدالت اجتماعی، شفافیت و پاسخگویی، مشارکت عمومی، کارایی و اثربخشی
کوزه‌گر و همکاران، ۱۳۹۵	پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، کارایی، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌پذیری، عدالت، حاکمیت قانون
علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴	پاسخگویی، شفافیت، کارایی، انعطاف‌پذیری
موحد و همکاران، ۱۳۹۳	مشارکت، قانون‌مداری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت محوری، شفافیت، کارایی و اثربخشی، اجتماع محوری

محققان مختلف، ویژگی‌های متفاوتی را برای حکمرانی خوب در نظر گرفته‌اند. اما در مورد شاخص‌ها، آنچه تاکنون مورد پذیرش قرار گرفته و بر روی آن اجماع بیشتری وجود دارد؛ شاخص‌هایی است که سازمان ملل آن‌ها را معرفی نموده که به تفصیل در زیر بیان شده است:

الف) قانون‌مندی: حکمروایی خوب نیازمند چارچوب‌های عادلانه قانونی است که بی‌طرفانه به اجرا درآیند و در عین حال نیازمند حمایت کامل از حقوق بشر به ویژه در خصوص اقلیت‌هاست (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۳).

- 1 Hocking et al
- 2 Graham et al
- 3 Graham et al
- 4 Megal and wehrman
- 5 pieterse
- 6 Roberts and et al

برقراری شرایط و زمینه‌های لازم برای تعامل بین عناصر مدیریت شهری که شامل شهروندان، نهادهای اداره-کننده شهر، شورای اسلامی و بخش خصوصی است، نیازمند قرار گرفتن بر مدار قانون‌مندی است (صرافی و عبدالمهی، ۱۳۸۷: ۱۱۵). منظور از قانون‌مندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دوردست بودن افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌هاست (برک‌پور، ۱۳۸۶: ۵۰۲).

ب) مسئولیت و پاسخگویی: این شاخص موازی با شاخص مشارکت می‌باشد؛ به عبارتی، پاسخگویی به ظرفیت کنترل و نظارت در فرایند مشارکت در تصمیم‌گیری شهری اشاره دارد، از این رو در روابط بین نهادهای عمومی و شهروندان قرار می‌گیرد (پریز و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۸۵). پاسخگویی عبارت است از جوابگویی به مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و تعهداتی که تعدادی از بازیگران در مقابل دیگران دارند (الوانی و قشقایی، ۱۳۸۵: ۲۸).

ج) شفافیت: به نظر پیپریو (۱۹۹۵)، یک مبنای اصلی برای اعتمادسازی بین دولت و ملت، شفافیت است (پاداش و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۴). طبق نظر بنجامین کنستان، آزادی محرک اندیشه شفافیت است. شفافیت از نظر کنستان فضای گفتگو و مناظره و نیز تبادل اندیشه است؛ زیرا وقتی اندیشه‌ها در میان عموم محک بخورند، امکان آشکار شدن حقیقت و از میان رفتن خطا افزایش می‌یابد (جهانگلو، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

د) مشارکت: مشارکت در عرصه مدیریت شهری به دو صورت است: یکی مختص به همکاری بخش خصوصی با شهرداری، بر مبنای کسب سود اقتصادی است و دوم همکاری بخش مردمی است که بر مبنای نه انقطاع مالی بلکه انگیزه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و اعضای این بخش در سازمان‌های غیردولتی^۲، سازمان‌های داوطلبانه خصوصی^۳، و سازمان‌های مبتنی بر جامعه محلی^۴ متشکل شده‌اند و هدف این بخش همیاری و خوداتکایی است (لاله‌پور، ۱۳۸۶: ۶۵).

ه) اثربخشی و کارایی: مفهوم کارآمدی در حیطه حکمروایی خوب استفاده پایدار از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست را نیز در بردارد (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۳). سازمان ملل کارایی و اثربخشی را چنین تعریف کرده است: فرایندها و نهادها، نتایجی به بار آورند که نیازها را تامین کرده و در عین حال بهترین استفاده از منابع شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۵۰۲).

و) پذیرا بودن و پاسخده بودن: این معیار، دو نکته مکمل هم را در بر می‌گیرد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم، نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب را از خود نشان دهند. بنابراین هم‌سویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان ضروری است (برک‌پور، ۱۳۸۶: ۵۰۲).

ز) جهت‌گیری توافقی: شهر، عرصه گروه‌ها و منافع و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی، تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیردولتی (نماینده گروه‌های مختلف) است (برک‌پور، ۱۳۸۶: ۵۰۲).

ح) عدالت: منظور از عدالت، فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است (برک‌پور،

1 Peris et al
2 NGO
3 P.V.O
4 C.B.O

۱۳۸۶: ۵۰۲). برابری در صورتی تحقق نمی‌یابد که شهرداری‌های متعددی وجود داشته باشند، بدون این که سطح مناسبی از خدمات عمومی ارائه شود و یا زمانی که تغییر سطح خدمات عمومی بین شهرداری‌های مختلف یا میزان یا سطح پرداخت مالیات بر املاک یا ظرفیت قلمروهای حکومتی تعیین می‌شود (حیدری، ۱۳۹۲: ۷۲).

ط) **بینش راهبردی:** فرارفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها، مستلزم وجود پیش‌بینی گسترده و درازمدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است (برک‌پور، ۱۳۸۶: ۵۰۲). حکمروایی می‌تواند به عنوان نتیجه کارآمدی نهادهای یک اجتماع به نظر آید. اگر نهادها مناسب و مؤثر باشند، نتیجه حکمروایی باید خوب باشد (گانی و دونکن، ۲۰۰۷، ۳۶۹). با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان معیارها و زیرمعیارهای حکمروایی خوب برای مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی را به شرح جدول (۴) جمع‌بندی کرد.

جدول (۴). معیارها و زیرمعیارهای حکمروایی خوب برای مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی

معیارها	زیرمعیارها
مشارکت	مشارکت اقتصادی، مشارکت زیست محیطی، مشارکت مدنی شهروندان
قانون مداری	آگاهی از قانون، میزان پایبندی به قانون، وجود قوانین کارآمد، اجرای عادلانه قوانین
پاسخگویی	اعتقاد به پاسخگویی، وجود مکانیسم پاسخگویی، رضایت عمومی از نحوه پاسخگویی، دسترسی راحت به مدیران
مسئولیت‌پذیری	اعتماد عمومی به مدیران، وجود مکانیسم نظارت بر عملکرد
عدالت محوری	عدالت در توزیع امکانات، ایجاد فرصت‌های برابر، عدم وجود تبعیض
شفافیت	مکانیسم شفاف هزینه‌ها و درآمدها، گردش آزاد اطلاعات، قوانین شفاف
کارایی و اثربخشی	مدیریت هزینه و درآمد، بروز رسانی دانشها و مهارتها، بهبود فرایندها
اجتماع محوری	مکانیسم نظرخواهی جمعی، توافق جمعی در تصمیمات، اولویت منفعت جمعی

روش تحقیق

محدوده مورد مطالعه

جزیره کیش، با مساحت بیش از ۹۰ کیلومتر مربع و جمعیت ۳۹۸۵۰ نفر (در سال ۱۳۹۵) از موقعیت ممتاز گردشگری و اقتصادی در خلیج فارس بهره‌مند است. همچنین پیشینه تاریخی زیست، فرهنگ بومی ویژه و محیط طبیعی این جزیره مرجانی نیز به جاذبه گردشگری آن افزوده است. کیش در چهار دهه گذشته، چهار مرحله توسعه را پشت سر گذاشته و تاکنون چهار طرح توسعه برای آن تهیه شده است (شکل (۱)).



شکل (۱). موقعیت جغرافیایی جزیره کیش

داده و روش کار

خشک بودن، ایستایی، بلند مدت بودن و غیر منعطف بودن طرح‌های جامع و تفصیلی و عدم انطباق آن‌ها با شرایط موجود در زمانی که سرعت تغییرات به تندی صورت می‌گیرد عملاً کارکردهای آن‌ها را ساقط کرده است (رهنما، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

از جمله مشکلات و چالش‌های موجود در حوزه اقتصادی - اجتماعی، محدودیت سفرهای دریایی، عدم وجود برنامه عملیاتی برای شکل‌دهی به فعالیت‌های متنوع و متفاوت، به ویژه با سرمایه‌گذاران خارجی و عدم وجود برنامه عملیاتی برای استفاده از سرمایه‌های زمین‌گیر شده در مستغلات، اعم از سکونت، تجارت، صنعت و زیرساخت‌ها بوده و مشکلات و چالش‌های موجود در حوزه زیست محیطی شامل عدم اجرای اقدام مدیریتی مؤثر در زمینه مدیریت مواد زائد جامد، عدم اجرای اقدام مدیریتی مؤثر در زمینه ساماندهی فاضلاب‌ها و مواد دفعی مایع، عدم وجود دستورالعملی خاص برای مکان‌یابی و استقرار و پیش‌بینی اثرات زیست محیطی طرح‌های تاثیرگذار و مشکلات و چالش‌های موجود در حوزه گردشگری شامل توسعه ساخت و ساز شهری در مکان سایت‌ها و جاذبه‌های تاریخی کیش، تهدید هویت مساجد و خانه‌های قدیمی در اثر اجرای طرح‌های توسعه ساختمانی و عدم نظارت بر آن‌ها، تهدید بناهای تاریخی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی، از بین رفتن شیوه‌های معماری سنتی به دنبال توسعه ساخت و ساز مدرن شهری به ویژه در مناطق بومی نشین، عدم جذب مخاطبان خارجی برای استفاده از ظرفیت کیش در برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌ها، بالا بودن هزینه مراکز تجاری که در افزایش قیمت کالاها و کاهش قدرت رقابتی با سایر مناطق نقش ایفا می‌کند و پایین آمدن کیفیت کالاها است. از آنجایی که هیچ یک از واحدهای اجتماعی-فضایی در جهان، شباهتی به دیگر واحدها ندارد، لذا در تعریف الگوی حکمروایی، نمی‌توان از یک منطق تعمیم‌گرایی اثبات‌گرا استفاده نمود، نتیجتاً تبیین الگو، از مقیاس عملکردی محدودی برخوردار می‌باشد و اختصاصات مکانی از جمله؛ ویژگی‌های ایدئولوژیک و ویژگی‌های ساختار اجتماعی- فرهنگی مستقر در هر فضای جغرافیایی، امکان ارائه نظریات تعمیم‌پذیر در مورد امور سنتزی نظیر رابطه جامعه و فضا را دشوار نموده و روش‌های احراز معرفت در این دستگاه شناختی تنها با اتکا به روش‌های کیفی امکان‌پذیر می‌گردد (لشگری تفرشی، ۱۳۹۷: ۲۷۴).

نتایج

در این بررسی، برای سنجش حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی، هشت معیار مشارکت، قانون‌مداری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری، شفافیت، کارایی و اثربخشی و اجتماع‌محوری و بیست و پنج زیرمعیار در محدوده مطالعاتی ارزیابی می‌شود. شکل (۲) معیارهای نشانگر حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش را نشان می‌دهد.



شکل (۲). معیارهای نشانگر حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش

برای تعیین ضریب اهمیت (وزن) معیارها و زیرمعیارها، دو به دو توسط تعدادی از اساتید رشته شهرسازی با هم مقایسه شده و از طریق نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱ وزن آنها محاسبه گردید. جدول (۵) وزن معیارها را نشان می‌دهد.

جدول (۵). وزن معیارها

رتبه	وزن	معیار
۱	۰/۳۱۵	مسئولیت‌پذیری
۲	۰/۲۲۴	پاسخگویی
۳	۰/۱۷۹	کارایی و اثربخشی
۴	۰/۱۱۵	مشارکت
۵	۰/۰۷۶	اجتماع‌محوری
۶	۰/۰۴۶	عدالت‌محوری
۷	۰/۰۲۸	قانون‌مداری
۸	۰/۰۱۸	شفافیت

ماخذ: نگارنده

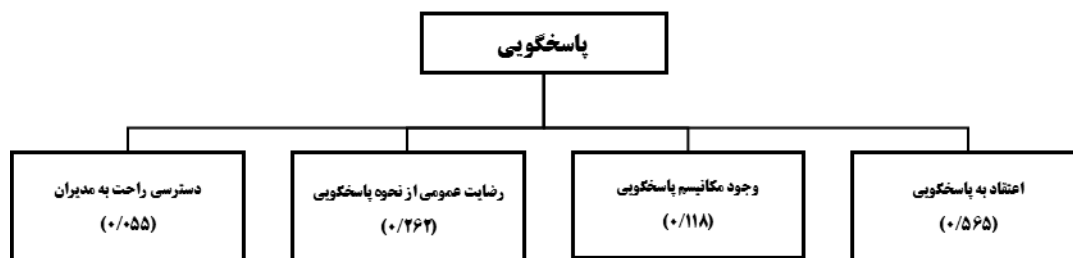
اشکال (۳ تا ۱۰) وزن زیرمعیارهای این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل (۳). وزن زیرمعیارها برای معیار مشارکت - ماخذ: نگارنده



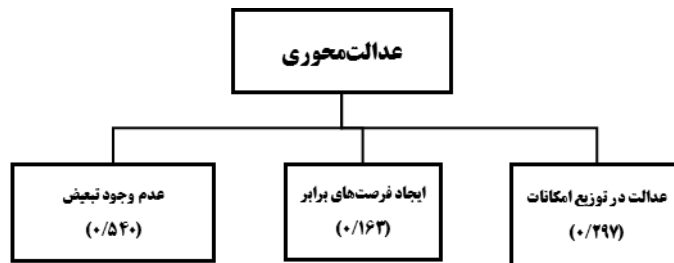
شکل (۴). وزن زیرمعیارها برای معیار قانون مداری - ماخذ: نگارنده



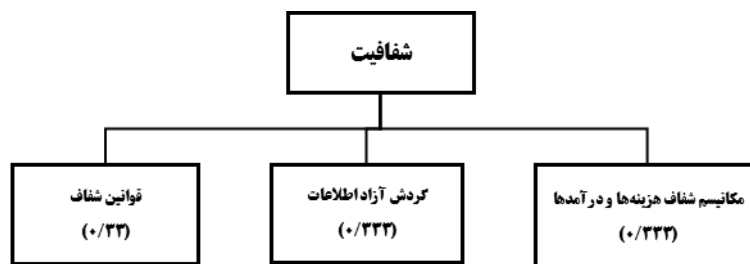
شکل (۵). وزن زیرمعیارها برای معیار پاسخگویی - ماخذ: نگارنده



شکل (۶). وزن زیرمعیارها برای معیار مسئولیت پذیری - ماخذ: نگارنده



شکل (۷). وزن زیرمعیارها برای معیار عدالت محوری - ماخذ: نگارنده



شکل (۸). وزن زیرمعیارها برای معیار شفافیت - ماخذ: نگارنده



شکل (۹). وزن زیرمعیارها برای معیار کارایی و اثربخشی - ماخذ: نگارنده



شکل (۱۰). وزن زیرمعیارها برای معیار اجتماع محوری - ماخذ: نگارنده

سپس برای بیان وضعیت محدوده مطالعاتی در ارتباط با هر یک از زیرمعیارهای این بررسی، پرسش‌نامه‌های تدوین شد تا نظر ساکنین کیش در مورد وضعیت هر یک از این زیرمعیارها در محدوده به دست آید. هر یک از سوالات پرسش‌نامه به یکی از زیرمعیارهای این بررسی اشاره داشت. با توجه به فرمول کوکران و حجم جامعه آماری، تعداد ۳۸۰ پرسشنامه به صورت تصادفی بین ساکنین کیش توزیع شد. در این پرسشنامه از طیف

لیکرت ۵ گزینه‌ای جهت جوابگویی پرسش‌شوندگان استفاده گردیده که شامل گزینه‌های بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم بوده است. لذا با تکمیل این پرسش‌نامه‌ها، وضعیت هر یک از زیرمعیارها جهت حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. با توجه به وزن به دست آمده برای هریک از معیارها و زیرمعیارها و همچنین امتیاز هر زیرمعیار در محدوده مطالعاتی، یک رتبه‌بندی کلی برای تمام زیرمعیارها بر اساس وزن نهایی و امتیاز آنها صورت گرفت. جدول (۶) نتایج نظرات کارشناسان و کیشوندان در ارتباط با زیرمعیارها را نشان می‌دهد.

جدول (۶). نتایج نظرات کارشناسان و کیشوندان در ارتباط با زیرمعیارها

وضعیت در محدوده	امتیاز نهایی در محدوده	رتبه	وزن	زیرمعیار
نسبتا مناسب	۳/۱۱	۱	۰/۱۹۲	اعتماد عمومی به مدیران
نسبتا نامناسب	۲/۵۷	۲	۰/۱۳۶	اعتقاد به پاسخگویی
نامناسب	۱/۹	۳	۰/۱۰۹	مدیریت هزینه و درآمد
نسبتا نامناسب	۲/۲۲	۴	۰/۰۷۰	مشارکت مدنی شهروندان
نسبتا نامناسب	۲/۳۱	۵	۰/۰۶۴	بروز رسانی دانش‌ها و مهارت‌ها
نسبتا نامناسب	۲/۵۶	۶	۰/۰۶۳	رضایت عمومی از نحوه پاسخگویی
نسبتا نامناسب	۲/۳۷	۷	۰/۰۴۶	اولویت منفعت جمعی
نسبتا نامناسب	۲/۲۵	۸	۰/۰۴۳	توافق جمعی در تصمیمات
نسبتا نامناسب	۲/۶۰	۹	۰/۰۴۱	مشارکت اقتصادی
نسبتا نامناسب	۲/۲۲	۱۰	۰/۰۳۲	وجود مکانیسم نظارت بر عملکرد
نسبتا نامناسب	۲/۵۷	۱۱	۰/۰۲۸	وجود مکانیسم پاسخگویی
نسبتا نامناسب	۲/۴۰	۱۲	۰/۰۲۸	عدم وجود تبعیض
نسبتا نامناسب	۲/۴۵	۱۳	۰/۰۱۹	بهبود فرایندها
نسبتا نامناسب	۲/۷۹	۱۴	۰/۰۱۷	اجرای عادلانه قوانین
نسبتا نامناسب	۲/۴۷	۱۵	۰/۰۱۶	عدالت در توزیع امکانات
نامناسب	۱/۹۶	۱۶	۰/۰۱۳	دسترسی راحت به مدیران
نسبتا مناسب	۳/۰۲	۱۷	۰/۰۱۲	مشارکت زیست محیطی
نسبتا نامناسب	۲/۲۵	۱۸	۰/۰۱۱	مکانیسم شفاف هزینه‌ها و درآمدها
نسبتا نامناسب	۲/۵۹	۱۹	۰/۰۱۱	گردش آزاد اطلاعات
نسبتا نامناسب	۲/۴۸	۲۰	۰/۰۱۱	قوانین شفاف
نسبتا مناسب	۳/۵۱	۲۱	۰/۰۱۰	میزان پایبندی به قانون
نسبتا نامناسب	۲/۲۷	۲۲	۰/۰۱۰	مکانیسم نظرخواهی جمعی
نسبتا نامناسب	۲/۳۵	۲۳	۰/۰۰۹	ایجاد فرصت‌های برابر
نسبتا مناسب	۳/۲۱	۲۴	۰/۰۰۶	وجود قوانین کارآمد
نسبتا مناسب	۳/۴۹	۲۵	۰/۰۰۳	آگاهی از قانون
ضریب ناسازگاری: ۰/۰۷				

در انتها به منظور این که مشخص شود در مجموع وضعیت زیرمعیارهای نشانگر حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش به چه صورت است و چه امتیازی کسب می‌کند، وزن هر زیرمعیار در امتیاز نهایی که در محدوده کسب کرده، ضرب شده و این کار برای تمام زیرمعیارها انجام و باهم جمع شده تا امتیاز نهایی حاصل

شود. امتیاز نهایی با انجام محاسبات، ۲/۵۳ (از مجموع ۵) به دست آمد که نشان دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش است.

بحث و نتیجه گیری

برای رسیدن به الگوی مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی با رویکرد حکمروایی خوب، معیارها و زیرمعیارهای آن تدوین شد که معیارهای اصلی در این الگو، مشارکت، قانون‌مداری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت محوری، شفافیت، کارایی و اثربخشی و اجتماع محوری است.

معیار مسئولیت‌پذیری که بالاترین وزن را در بین معیارها به خود اختصاص داده است شامل زیرمعیارهای اعتماد عمومی به مدیران و وجود مکانیسم نظارت بر عملکرد است. این دو زیرمعیار بیانگر وضعیت نظارت بر عملکرد مدیران جزیره کیش برای پاسخگویی و اعتماد متقابل از سوی کیشوندان به عملکرد آنان است که نقشی کلیدی در حکمروایی خوب در مدیریت یکپارچه کیش ایفا می‌کند. کیشوندان به زیرمعیار اعتماد عمومی به مدیران، امتیاز ۳/۱۱ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مناسب این زیرمعیار است. آنان همچنین به زیرمعیار وجود مکانیسم نظارت بر عملکرد امتیاز ۲/۲۲ اختصاص داده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. لذا لازم است در خصوص ایجاد مکانیسم بهتر و جامع‌تر جهت نظارت بر عملکرد مدیران جزیره اقدام شود.

معیار پاسخگویی که در بین معیارها، رتبه دوم را به لحاظ اهمیت به خود اختصاص داده است، شامل زیرمعیارهای اعتقاد به پاسخگویی، رضایت عمومی از نحوه پاسخگویی، وجود مکانیسم پاسخگویی و دسترسی راحت به مدیران است. این زیرمعیارها وضعیت پاسخگویی مدیریت جزیره به کیشوندان و رضایت کیشوندان از نحوه پاسخگویی آنان را نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار اعتقاد به پاسخگویی، امتیاز ۲/۵۷ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد در این زمینه باید در انتخاب مدیران جزیره به گونه‌ای عمل شود که آنان در زمینه پاسخگویی، عملکرد بهتری داشته باشند و گزارش‌های دوره‌ای به مردم ارائه دهند. کیشوندان همچنین به زیرمعیار وجود مکانیسم پاسخگویی امتیاز ۲/۵۷ اختصاص داده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. بنابراین لازم است در خصوص ایجاد مکانیسم بهتر و جامع‌تر جهت پاسخگویی مدیران جزیره به کیشوندان اقدام شود. کیشوندان به زیرمعیار رضایت عمومی از نحوه پاسخگویی امتیاز ۲/۵۶ اختصاص داده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیریت جزیره در مکانیسم پاسخگویی به کیشوندان، مواردی که موجب رضایت خاطر آنان شود را در نظر نگرفته است. لذا لازم است بازنگری جدی در این خصوص انجام شود تا مشخص شود علت نارضایتی کیشوندان چیست. همچنین کیشوندان به زیرمعیار دسترسی راحت به مدیران امتیاز ۱/۹۶ اختصاص داده‌اند که بیانگر وضعیت نامناسب این زیرمعیار است. برای بهبود وضعیت این زیرمعیار لازم است مدیران جزیره در خصوص افزایش تعداد روزها و ساعات ملاقات‌های مردمی و استفاده از بستر فناوری‌های جدید مانند فضای مجازی جهت کوتاه کردن فاصله آنان با مردم اقدامات لازم را انجام دهند. معیار کارایی و اثربخشی که در بین معیارها، رتبه سوم را به لحاظ اهمیت خود اختصاص داده است شامل زیرمعیارهای مدیریت هزینه و درآمد، بروز رسانی دانش‌ها و مهارت‌ها و بهبود فرایندها است. این زیرمعیارها وضعیت کارایی و اثربخشی مکانیسم

عملکرد مدیران جزیره را نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار مدیریت هزینه و درآمد، امتیاز ۱/۹ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیران جزیره نتوانسته‌اند از درآمدها به خوبی بهره برده و در جهت خواست و نیاز کیشوندان هزینه کنند. بنابراین لازم است وضعیت هزینه و درآمد جزیره مورد بازنگری قرار گرفته و مواردی که در جهت خواست و نیاز کیشوندان نبوده، حذف و موارد دیگری که مطابق با نیاز و خواست آنان است، اضافه شود. کیشوندان همچنین به زیرمعیار بروزرسانی دانش‌ها و مهارت‌ها امتیاز ۲/۳۱ اختصاص داده‌اند که بیانگر وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. بنابراین لازم است در خصوص برگزاری کلاس‌ها، دوره‌ها، کارگاه‌ها و نشست‌هایی در جهت بالاتر بردن دانش و مهارت مدیران جزیره اقدام شود و افراد با دانش و مهارت بالا در اولویت جذب قرار گیرند. کیشوندان به زیرمعیار بهبود فرایندها، امتیاز ۲/۴۵ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نامناسب این زیرمعیار است. لذا لازم است فرایندها در مجموعه عملکرد مدیران جزیره بازنگری شده و در زمینه اصلاح آن اقدام شود. معیار مشارکت که در بین معیارها، رتبه چهارم را به لحاظ اهمیت به خود اختصاص داده است شامل زیرمعیارهای مشارکت مدنی شهروندان، مشارکت اقتصادی و مشارکت زیست محیطی است. این زیرمعیارها وضعیت مشارکت کیشوندان در اداره جزیره را به لحاظ مدنی، اقتصادی و زیست محیطی نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار مشارکت مدنی شهروندان، امتیاز ۲/۲۲ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیران جزیره نتوانسته‌اند از پتانسیل مشارکت مردمی در جهت اداره جزیره به خوبی استفاده کنند. لذا لازم است در خصوص طراحی مکانیسم جامع جهت بهره‌گیری از این پتانسیل عظیم و در جهت برآورده کردن خواست و نیاز کیشوندان با مشارکت خودشان، اقدام لازم صورت گیرد. کیشوندان همچنین به زیرمعیار مشارکت اقتصادی، امتیاز ۲/۶۰ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. بنابراین لازم است در پروژه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی جزیره، مردم نقش فعالتری ایفا کنند و آن‌ها در سود اقتصادی این پروژه‌ها و فعالیت‌ها سهیم شوند. کیشوندان همچنین به زیرمعیار مشارکت زیست محیطی، امتیاز ۳/۰۲ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد حمایت بیشتر از سازمان‌های مردم‌نهاد که در زمینه حفاظت از محیط زیست عمل می‌کنند و همچنین اختصاص برنامه و بودجه مناسب برای فعالیت‌های مردمی در جهت حفظ محیط زیست می‌تواند وضعیت مشارکت زیست محیطی کیشوندان را بهبود بخشد.

معیار اجتماع محوری که در بین معیارها، رتبه پنجم را به لحاظ اهمیت خود اختصاص داده است شامل زیرمعیارهای اولویت منفعت جمعی، توافق جمعی در تصمیمات و مکانیسم نظرخواهی جمعی است. این زیرمعیارها میزان توجه و اولویت‌بخشی مدیران جزیره را به استفاده از نظرات مردمی در تصمیمات نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار اولویت منفعت جمعی، امتیاز ۲/۳۷ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیران جزیره هنوز منفعت مردم را به خوبی نشناخته و یا نخواستند در تصمیمات خود وارد کنند. لذا لازم است در خصوص شناخت خواست و نیاز ساکنین و سپس در جهت برآورده کردن آن‌ها اقدام شود. کیشوندان همچنین به زیرمعیار توافق جمعی در تصمیمات، امتیاز ۲/۲۵ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد بهتر است

مکانیسم لازم جهت کسب نظر کیشوندان در تصمیمات مهم طراحی شود تا نظر و خواست آنان، ملاک عمل در تصمیم‌گیری شود. کیشوندان به زیرمعیار مکانیسم نظرخواهی جمعی، امتیاز ۲/۲۷ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. با توجه به وضعیت نامناسب بودن این مکانیسم، لازم است در خصوص تجدیدنظر در شکل و محتوای این مکانیسم و یا طراحی مکانیسم جدید در خصوص نظرخواهی از کیشوندان جهت تصمیم‌گیری اقدام لازم صورت گیرد.

معیار عدالت محوری که در بین معیارها، رتبه ششم را به لحاظ اهمیت به خود اختصاص داده است شامل زیرمعیارهای عدم وجود تبعیض، عدالت در توزیع امکانات و ایجاد فرصت‌های برابر است. این زیرمعیارها، وضعیت توجه به عدالت در حیطه مدیریت جزیره را نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار عدم وجود تبعیض، امتیاز ۲/۴۰ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیران جزیره در تصمیمات خود، نتوانسته‌اند جلوی سوء استفاده بعضی افراد را از خला‌های قانونی بگیرند و لازم است در خصوص اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی در صورت نیاز و همچنین جلوگیری از ورود افراد بدون صلاحیت، تمهیدات لازم صورت گیرد. کیشوندان همچنین به زیرمعیار عدالت در توزیع امکانات، امتیاز ۲/۴۷ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد امکانات در جزیره به شکل عادلانه توزیع نشده است؛ لذا مدیران جزیره لازم است ارزیابی جامع از پراکنش و نحوه توزیع امکانات در مناطق مختلف و بین گروه‌های مختلف اجتماعی ساکن در جزیره انجام دهند و نسبت به ایجاد امکانات در مناطق کمتر برخوردار اقدام لازم را انجام دهند. کیشوندان به زیرمعیار ایجاد فرصت‌های برابر، امتیاز ۲/۳۵ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. مدیران جزیره لازم است شرایطی فراهم کنند تا تمام کیشوندان به فرصت‌های برابر به لحاظ امکانات و زیرساخت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی دسترسی داشته باشند.

معیار قانون‌مداری که در بین معیارها، رتبه هفتم را به لحاظ اهمیت به خود اختصاص داده است شامل زیرمعیارهای اجرای عادلانه قوانین، میزان پایبندی به قانون، وجود قوانین کارآمد و آگاهی از قانون است. این زیرمعیارها وضعیت توجه به قانون در تصمیمات و اقدامات مدیریت جزیره و همچنین قانون‌مداری کیشوندان را نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار اجرای عادلانه قوانین، امتیاز ۲/۷۹ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد در بعضی موارد، قانون به صورت عادلانه اجرا نمی‌شود. لذا لازم است این قوانین شناسایی شوند و تجدید نظر در این قوانین به گونه‌ای صورت گیرد تا افراد امکان سواستفاده از آن را نداشته باشند. کیشوندان همچنین به زیرمعیار میزان پایبندی به قانون، امتیاز ۳/۵۱ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد کیشوندان خود را تا حد زیادی ملزم به پایبندی به قوانین می‌دانند که جای بسی امیدواری است. کیشوندان به زیرمعیار وجود قوانین کارآمد، امتیاز ۳/۲۱ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مناسب این زیرمعیار است. لذا به نظر می‌رسد قوانین موجود، تا حد زیادی کارایی داشته و توانسته‌اند پاسخگوی مشکلات ساکنین باشند؛ گرچه به نظر می‌رسد عده‌ای از این قوانین به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند که لازم است در این خصوص، اقدام لازم صورت گیرد. کیشوندان همچنین به زیرمعیار آگاهی از قانون، امتیاز ۳/۴۹ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده

وضعیت نسبتاً مناسب این زیرمعیار است. بنابراین کیشوندان تا حد زیادی نسبت به قوانین موجود آگاهی دارند که بسیار امیدبخش است.

معیار شفافیت که در بین معیارها، رتبه هشتم را به لحاظ اهمیت به خود اختصاص داده است شامل مکانیسم شفاف هزینه‌ها و درآمدها، گردش آزاد اطلاعات و قوانین شفاف است. این زیرمعیارها وضعیت شفافیت در عملکرد مدیران جزیره را نشان می‌دهد. کیشوندان به زیرمعیار مکانیسم شفاف هزینه‌ها و درآمدها، امتیاز ۲/۲۵ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیریت جزیره نتوانسته است بیلان مالی عملکرد خود را به صورت شفاف به اطلاع کیشوندان برساند یا در زمینه اطلاع‌رسانی ضعیف عمل کرده است. کیشوندان همچنین به زیرمعیار گردش آزاد اطلاعات، امتیاز ۲/۵۹ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. به نظر می‌رسد مدیریت جزیره در زمینه ارائه اطلاعات مربوط به جزیره به خوبی عمل نکرده است. ایجاد پایگاه داده جامع مدیریت جزیره و قرار دادن آن در وب سایت و شبکه‌های مجازی به گونه‌ای که به راحتی در اختیار کیشوندان قرار گیرد، می‌تواند تا حدودی این مشکل را مرتفع کند. کیشوندان به زیرمعیار قوانین شفاف، امتیاز ۲/۴۸ را اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب این زیرمعیار است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، بعضی از قوانین، شفافیت کافی را نداشته و همچنین به دلیل جامع نبودن، امکان سواستفاده افراد و گروه‌ها را مهیا می‌کند. بنابراین لازم است در خصوص شناسایی این قوانین و سپس اصلاح آنها اقدام لازم صورت گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، الگوی مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی با رویکرد حکمروایی خوب می‌تواند برای جزیره کیش یک راهکار شهرسازانه مفید و مؤثر باشد و در جهت برآورده کردن خواست و نیاز کیشوندان عمل کند.

منابع

- آدینه‌وند، علی اصغر؛ حاجی‌زاده، مریم؛ قدمی، مصطفی (۱۳۹۱)، بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر)، مدیریت شهری، ۳۱.
- برک‌پور، ناصر (۱۳۸۶)، حکمروایی خوب شهری و نظام اداره شهرها در ایران، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- تقوایی، علی اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، ۲۳.
- توفیق، فیروز و همکاران (۱۳۸۷)، طرح جامع مناطق ساحلی مطالعه و بررسی مفاهیم، روش‌ها و تجربیات جهانی در زمینه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی، سازمان بنادر و کشتیرانی، جلد اول.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۳)، حاکمیت و آزادی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- حاجی علی‌زاده، جواد؛ موسوی، چمران؛ زرافشان، عطاله (۱۳۹۵)، تحلیلی بر همبستگی بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی (مطالعه موردی شهر شیراز)، فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۶(۵۴).

- حیدری، محمدرضا (۱۳۹۲)، *سنجش عملکرد مدیریت شهری با تاکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی: شهر یزد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد.
- خاتمی، محمد (۱۳۸۱)، *از دنیای شهر تا شهر دنیا*، نشر نی، چاپ یازدهم، تهران.
- رهنما، محمدرحیم؛ غلامزاده خادر، مرتضی؛ جعفری سیدآباد، وحید (۱۳۹۱)، *تحلیل جایگاه شاخص‌های راهبرد توسعه شهری (CDS) در شهر چناران*، نشریه تحقیقات راهبردی علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، ۱۲(۲۶).
- سلیمانی، سیاوش؛ باقرنژاد، حجت (۱۳۹۳)، *بررسی و سنجش میزان اعمال شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در طرح میدان شهدا مشهد*، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی.
- صرافی، مظفر؛ عبداللهی، مجید (۱۳۸۷)، *تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری*، پژوهش‌های جغرافیایی، ۶۳.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۰)، *ابرمساله شهری ایران و نقش برنامه‌ریزان شهری*، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۲-۶۳.
- عزیزی، منصور؛ درسرخوان، رسول؛ پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۸)، *ارزیابی چارچوب هنجاری برنامه‌ریزی استراتژیک در تحقق حکمروایی خوب شهری در منطقه ۲۲ تهران*، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، ۵۸.
- علیزاده، هادی؛ نعمتی، مرتضی؛ رضایی جعفری، کامران (۱۳۹۴)، *تحلیلی بر معیارهای حکمروانی خوب شهری با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی*، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۶(۲۴).
- کوزه‌گر، لطفعلی؛ آدینه‌وند، علی اصغر؛ علیان، مهدی؛ نظری، نرگس (۱۳۹۵)، *ارزیابی مدیریت شهر اهواز در چارچوب حکمرانی خوب شهری*، معماری و شهر پایدار، ۴(۲).
- لاله‌پور، منیژه (۱۳۸۶)، *حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه*، جستارهای شهرسازی، ۱۹ و ۲۰.
- لطیفی ینگیجه، سمیرا (۱۳۹۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: کلانشهر کرج)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی، دانشگاه پیام نور.
- محمدنژاد، علی؛ قربانی سپهر، آرش؛ لشگری، علی اصغر؛ شمس پویا، محمدکاظم (۱۳۹۴)، *تحلیل نقش حکمروایی شایسته در توسعه پایدار گردشگری*، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ملکی، محمد (۱۳۹۵)، *بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمروایی خوب و شایسته شهری (مورد مطالعه: نواحی شهر ایلام)*، فصلنامه فرهنگ ایلام، ۱۷(۵۲ و ۵۳).
- موسوی، سیده آمنه؛ احمدی، بهمن؛ دادگر، محمد (۱۳۹۶)، *واکاوی اثرات جریان‌های بین شهری بر تغییرات کاربری اراضی واقع در خارج حریم شهرها؛ مورد مطالعه: اراضی پیرامون محورهای مواصلاتی شهرهای بابل، قائم‌شهر و ساری*، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، ۱۷(۴۶).
- موحد، علی؛ کمان‌رودی، موسی؛ ساسان‌پور، فرزانه؛ قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۳)، *بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری؛ مورد مطالعه منطقه ۱۹ شهرداری تهران*، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری،

۲(۷).

مهندسين مشاور مآب.(۱۳۸۹)، طرح جامع مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور، طرح تلفیق مطالعات، اداره کل بنادر و دریانوردی کشور.

لشگری تفرشی، احسان؛ احمدی، سیدعباس.(۱۳۹۷)، تبیین بنیانهای کارکردی حکمروایی فضایی در چارچوب انگاره‌ی پسا ساختارگرا، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، ۱۹(۵۴).

میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمروایی خوب، بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس. نظری کتولی، مریم (۱۳۹۲)، تعریف چارچوب نهادی برای مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) مطالعه موردی شهر بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.

Abdellatif. M.Adel (2003), **good governance and Its Relationship to Democracy & Economic Development**, Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul 20-31

Abrams, P., Borrini-Feyerabend, G., Gardner, J., Heylings, P. (2003), **Evaluating Governance: A Handbook to Accompany a Participatory Process for a Protected Area. Parks Canada. Ottawa and TILCEPA**, Pune.pp.11-13

Arndt, C. and Oman, C. (2006), **Uses and Abuses of Governance Indicators**, Development Centre Studies, OECD, 2006. P.23

Fennell D, Plemmer R, Marschke M. (2008), Is Adoptive Co-Management Ethical? Journal of Environmental Management, 83: 62-75

Friedmann, J. (1998). **The new political economy of planning: The rise of civil society**. In J. Friedmann (Ed.), Cities for citizens: Planning and the rise of civil society in a global age (pp. 19–35).

Gani, Azmat & Duncan, Ron (2007), **Measuring Good Governance Using Time Series**, Journal of Asia Pacific Economy, Vol 12, No 3.

Graham, John (2003), **Principle for Good Governance in the 21 Century**, Policy Brief, No 15.

Hockings, M., Stolton, S., Leverington, F., Dudley, N., Courrau, J. (2006). **Evaluating Effectiveness: A Framework for Assessing Management Effectiveness of Protected Areas**, second ed. IUCN, Gland.p.33

Lockwood.M. (2010), **Good governance for terrestrial protected area: a framework**, principle and performance outcoms. Environmental management, vol.91, p.754-766

Magel, H. and Wehrmann, B. (2001) **Applying Good Governance to Urban Land Management – Why and How?** Zeitschrift fur Vermessungswesen, Heft 6/2001.

McGowan Lynne (2011) **Practice and Prospects for Integrated Coastal Zone Management (ICZM) in the UK: Improving Non-Statutory Coastal Governance through Collaboration**, University of Liverpool, degree of Doctor of Philosophy, Department of Civic Design

OECD (2008), **Approaches to Governance Assessments, DAC Network on Governance**, June (final draft).p.17

Okot-Umao, R.WO (2001): **Electronic Government: Re-inventing Good Governance**. Commonwealth Secretariat, London

Peris J, Cebillo-Baque M.A., Calabuig C. (2011), **scrutinizing the link between**

- participatory governance and urban environmental management**, the experience in Arequipa during 2003-2006, Habitat international, No.35, pp: 84-92
- Pieterse, E.A (2000), **Participatory urban governance: practical approaches**. USA research academy, p.87
- Ramie, Emiliano (2019), **Linking Integrated Coastal Zone Management to Maritime Spatial Planning: The Mediterranean Experience**. Maritime Spatial Planning, PP 271-294, Genova, Italy.
- Roberts.S. M.; Wright.S, O; Neill.P (2007), **Good governance in the pacific?** Ambivalence and possibility. Geoforum, vol.38, p.967-984
- Steward,r(2006), **Designing good urban governance indicator: the importance of in greater Vancouver**. Cities, vol.23, p.196-204
- UNDP (2006), **Methodology for design and implementation of the Instrument for Measuring Responsibility, Transparency and Accountability** in the Local Self-Government Units, UNDP Macedonia.pp.21-24
- UN-HABITAT (2006). **Draft Guidelines on decentralization and the strengthening of local authorities**.vol.2, p.16
- World Bank (2000). **Cities in transition: A strategic view of urban and local government issues**. Infrastructure Group, Urban Development, Washington, DC: World Bank.p29
- Swierczek, Fredric William (2019). **Ecosystem-based approach for planning research and capacity development for integrated coastal zone management in Southeast Asia**. APN Science Bulletin, Kobe, Japan, 9(1), p5.